



## بانكدارى اسلامى، ثبات بيشتر و كارايى بهتر

سيدعباس موسويان \*

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۹۵	چکیده.....
۲۹۶	مقدمه .....
۲۹۹	۱- تفاوت‌های جوهری بانکداری اسلامی .....
۲۹۹	۱-۱- تأکید بر قراردادهای اقتصاد واقعی .....
۳۰۰	۱-۲- استفاده از سود به جای بهره .....
۳۰۰	۱-۳- نظارت بر مصرف اعتبارات بانکی .....
۳۰۱	۲- مزایای بانکداری اسلامی .....
۳۰۱	۲-۱- افزایش پایداری بنگاه‌های اقتصادی .....
۳۰۲	۲-۲- افزایش سرمایه‌گذاری .....
۳۰۵	۲-۳- افزایش تولید و عرضه کل .....
۳۱۱	جمع‌بندی .....
۳۱۲	کتاب‌نامه.....

## فهرست نمودارها

صفحه

عنوان

### ب - نمودارها:

- نمودار ۱- اثر روش مشارکت بر هزینه‌های تولید..... ۳۰۱
- نمودار ۲- کاهش ناطمینانی و افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی ..... ۳۰۳
- نمودار ۳- کاهش سطح عمومی قیمت‌ها در نتیجه جایگزینی نظام مشارکت ..... ۳۰۵
- نمودار ۴- چرخه فعالیت‌ها و پرداخت‌ها در یک مدل ساده ..... ۳۰۶
- نمودار ۵- ثبات بیشتر در مسیر رشد اقتصادی در نظام بانکداری اسلامی ..... ۳۰۸

### چکیده

وقوع بحران مالی جهانی و تزلزل بیش از حد انتظار بانکداری متعارف و ثبات نسبی بانک‌های اسلامی در قبال آن، خیلی از متفکران را به تأمل بیشتر در ماهیت بانکداری اسلامی وا داشته است. به‌گونه‌ای که مطالعات گسترده‌ای درباره آن شروع شده است و به اعتقاد تحلیل‌گران مالی گرچه عوامل مختلفی در این پدیده دخیل است، لیکن یکی از عوامل مهم تفاوت ماهوی این دو نظام بانکی است.

نظام بانکداری متعارف (ربوی) برای همه نیازها اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری از قرارداد قرض با بهره استفاده می‌کند و به‌طور معمول نرخ بهره آن نیز در بازار پول و به صورت برونزا از اقتصاد واقعی شکل می‌گیرد. این در حالی است که بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای واقعی از انواع قراردادهای مالی بهره می‌گیرد. این بانک برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای مقطعی و کوتاه‌مدت، راه‌هایی چون قرض‌الحسنه، مرابحه، اجاره به شرط تملیک و برای نیازهای سرمایه‌گذاری اساسی و بلندمدت، راه‌هایی چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات را معرفی کرده و به جای نرخ بهره از نرخ سود که بر گرفته از اقتصاد واقعی است استفاده می‌کند.

تحلیل‌های نظری و یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که مدل بانکداری اسلامی، به ویژه زمانی که سهم درخور توجهی از معاملات آن در بخش سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلندمدت، براساس قراردادهای مشارکتی انجام گیرد در قبال بحران‌های مالی از ثبات بیشتر و نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی از کارایی بالاتری برخوردار است.

این مقاله، بازتاب جایگزینی نظام بانکداری اسلامی به جای نظام بانکداری متعارف بر متغیرهایی چون پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال، سطح عمومی قیمت‌ها، توزیع درآمد و رفاه عمومی را تجزیه و تحلیل می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که با جایگزینی بانکداری اسلامی نه تنها مشکلی در اقتصاد رخ نمی‌دهد، بلکه همه‌ی متغیرهای اساسی، وضعیت بهتری خواهند داشت و به دنبال آن نظام بانکی و نظام اقتصادی ثبات بیشتر خواهد داشت.

کلمات کلیدی: بانکداری متعارف، بانکداری اسلامی، ثبات، کارایی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید و سطح عمومی قیمت‌ها.

## مقدمه

از زمان‌های کهن، حوادث گوناگون، برنامه زندگی مردم را مختل کرده، آنان را از دستیابی به نیازمندی‌های زندگی باز می‌داشت. فکر ذخیره‌سازی برای دوره‌های سخت، تا حدی می‌توانست بخشی از نگرانی‌ها را کاهش دهد، تا اینکه رفتار قرض، به عرصه روابط اقتصادی جوامع راه یافت. قرض کننده می‌توانست با استفاده از مازاد تولید دیگران، مشکلات خود را حل کند، چنانکه قرض‌دهنده، افزون بر حفظ دارایی، از سرقت و فساد، هزینه نگهداری آن‌ها را نیز به گیرنده قرض منتقل می‌کرد. پدیده قرض که مشکل هر دو گروه را حل می‌کرد، به تدریج رنگ خیرخواهانه خود را از دست داد و صاحبان پس‌انداز دریافتند که در برابر اعطای قرض می‌توانند زیاده‌ای به نام ربا (بهره) بگیرند.

پیدایش پول‌های فلزی و کاغذی که اندوختن آن‌ها هزینه‌ای بسیار اندک داشت، قدرت چانه‌زنی قرض‌دهندگان را بالا برد، به گونه‌ای که جز با درصدهای بالا، حاضر به قرض‌دادن نبودند، تکامل شیوه‌های تولید و پیدایش جایگاهی برای عامل سرمایه در کنار عامل کار، عرصه جدیدی را برای رفتار قرض پدید آورد. کشاورزان، پیشه‌وران و بازرگانانی که برای فعالیت‌های اقتصادی سرمایه کافی نداشتند، به صاحبان پس‌انداز روی آوردند و بدین ترتیب در کنار قرض‌های مصرفی، قرض‌های تولیدی و تجاری نیز شکل گرفت. در عصر حاضر، با گسترش نیازهای مصرفی و سرمایه‌گذاری از یک سو و رشد پس‌اندازهای صاحبان سرمایه‌های نقدی از سوی دیگر و همچنین پیداشدن مؤسسات مالی مدرن و ابداع انواع پول‌های اعتباری، پدیده "قرض با بهره" را از جهت ابزارها و روش‌ها، پیچیده‌تر و کامل‌تر کرد، به طوری که امروزه، انواعی از عملیات اعتباری بانکی و اوراق قرضه مبتنی بر نظام قرض با بهره در جهان شکل گرفته، بازارهای پول و سرمایه را سازماندهی می‌کند.

تأکید نظام سرمایه‌داری بر حداکثر کردن سود، طراحی انواع ابزارهای مالی بیش از ظرفیت اقتصاد واقعی، رقابت فوق‌العاده مؤسسات بانکی و غیربانکی در خرید و فروش این ابزارها و کاهش ایده نظارت و کنترل بر مصرف اعتبارات اعطایی، دست به دست هم دادند و بحران اخیر اقتصاد سرمایه‌داری را رقم زدند.

براساس اطلاعات منتشر شده از مؤسسه جی پی مورگان، میزان دیون پرداخت نشده معادل ۱/۵ تریلیون دلار است که ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به تأمین مالی نظام‌مند حاصل

از دیون مشتریان فاقد اعتبار و وام های بانکی با ریسک کمتر و اوراق قرضه دارای پشتوانه وام‌های تجاری بوده است (خدادی، ۱۳۸۷).

تا کنون، شرکت‌های فنی‌می<sup>۱</sup> و فردی مک<sup>۲</sup> که بزرگ‌ترین تضمین‌کنندگان اوراق با پشتوانه رهن در امریکا به شمار می‌آیند، با ۵۰۰۰ میلیارد دلار سرمایه، ملی شده‌اند. همچنین ایندی‌مک، بانک لمان برادرز و رقیب آن، مؤسسه مریل لینچ و نیز بانک واشنگتن میچوال مشهور به وامو<sup>۳</sup> با اعلام ورشکستگی، شوک اقتصادی شدیدی را به بازارهای مالی امریکا وارد کرده‌اند. به دنبال ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی، شرکت‌های بیمه نیز که وام‌ها و سپرده‌ها را بیمه کرده بودند دچار زیان‌های هنگفت شده و حتی بسیاری از جمله شرکت AIG (بزرگترین مؤسسه بیمه‌گذار امریکا) نیز ورشکسته شده‌اند. در گزارش ارائه شده به کنگره امریکا برای تصویب طرح نجات اقتصادی، پیش‌بینی شده که بحران مالی ۱۳۰۰ میلیارد دلار خسارت در بازارهای مالی و ۷۷۰۰ میلیارد دلار زیان در بازار مسکن امریکا به بار آورده است.<sup>۴</sup>

وقوع بحران جهانی و ناتوانی نظام بانکداری متعارف در پیشگیری و مقابله با آن از یک سو و پایداری نسبی بانکداری اسلامی در مواجهه با این بحران از سوی دیگر توجه صاحب‌نظران و سیاستگذاران مالی و بانکی را به سمت مطالعه و تحقیق بانکداری اسلامی معطوف کرده است. به‌گونه‌ای که رابرت کیمت معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در اظهار نظری عنوان کرده است که کارشناسان و کارکنان این وزارتخانه در حال فراگیری ویژگی‌های نظام بانکداری اسلامی هستند (خبرگزاری آوا به نقل از روزنامه واشنگتن پست).

از سوی دیگر پژوهشگاه وزارت امور خارجه امریکا نیز در گزارش به کنگره این کشور به تبیین قابلیت‌ها و توانایی‌های اقتصاد اسلامی در جهان و به‌خصوص آمریکا پرداخته و اشاره کرده است که آموزه‌های اقتصاد اسلامی در کشورهای اسلامی روز به روز در حال رشد است و تسری این آموزه‌ها به خارج از کشورهای اسلامی نیز روند فزاینده‌ای داشته است، به‌طوری‌که بازار بین‌المللی اقتصاد اسلامی طی سال‌های گذشته، سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ درصد رشد داشته است (همان).

کریستین لاگارد وزیر اقتصاد و دارایی فرانسه نیز اعلام کرد: تشدید بحران مالی جهان موجب شده تا معاملات اسلامی در نظام بانکداری این کشور رشد چشمگیری داشته باشد. وی

<sup>۱</sup> Fannie Mae (Federal National Mortgage Association)

<sup>۲</sup> Freddie Mac (Federal Home Loan Mortgage Corporation)

<sup>۳</sup> WaMu

<sup>۴</sup> <http://www.bbc.co.uk/persian/business/story>

تصریح کرد: نظام مالی اسلامی تأکید زیادی بر اصول اخلاقی دارد و این نظام می‌تواند در برابر بحران‌های مالی بین‌المللی به خوبی مقاومت کند. وی افزود: بازارهای مالی فرانسه قابلیت زیادی برای گسترش معاملات اسلامی دارد و دولت از این فرصت طلایی استفاده خواهد کرد (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷: ۱۲).

نشریه رسمی واتیکان نیز با برشمردن ویژگی‌های منحصر به فرد نظام بانکداری اسلامی، این نظام را برای مبارزه با بحران اقتصادی جهان پیشنهاد کرد. به نقل از روزنامه لوسروآتوره رومانو درحالی‌که کلیه کشورهای جهان برای مقابله با آثار سوء بحران جهانی اقتصادی به دنبال راه چاره می‌گردند، یک پیشنهاد جالب از سوی واتیکان توجه محافل مختلف در اروپا و جهان را به خود جلب کرده است. نشریه رسمی واتیکان برای مبارزه با بحران اقتصادی در جهان، نظام بانکداری اسلامی را پیشنهاد کرد. در مقاله‌ای که در شماره روز چهارم مارس این روزنامه منتشر شد با اشاره به قواعد سنتی حاکم بر سیستم بانکداری اسلامی بر امکان ایجاد جو اعتماد به سیستم مالی سرمایه‌داری و روان‌سازی گردش پولی تأکید شد. در مقاله مذکور که از سوی لورتا ناپلئونو و کلودیا سگره دو تن از کارشناسان مسائل اقتصادی ایتالیا به رشته تحریر درآمده، بر قابلیت سیستم بانکداری اسلامی در جلوگیری از تورم‌های اقتصادی کاذب با استفاده از ابزار سرمایه‌گذاری مناسب و ممنوعیت بهره بانکی، بدهکاری بیش از اندازه و شایعه‌سازی در بازار مالی در این سیستم تأکید شده است. مقاله روزنامه رسمی واتیکان در کشورهای اروپایی بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد و روزنامه‌های معروفی مانند فایننشال تایمز به تحلیل این مقاله پرداخته اند (واتیکان، ۸۷/۱۲/۱۷).

صندوق بین‌المللی پول سرانجام در گزارش خود از ورود جهان به بدترین دوران رکود اقتصادی در هشت دهه اخیر سخن گفت، رکودی که به گفته اغلب کارشناسان در یک صد سال اخیر به‌عنوان بحرانی کم سابقه تلقی می‌شود، بحرانی که بازار اعتبارات در جهان را مورد هدف قرار داده است. گستردگی این اتفاق به‌گونه‌ای است که هیچ بازار، مؤسسه یا نهادی از این بحران در امان نبوده و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری یکی پس از دیگری تعطیل و با ورشکستگی مواجه می‌شوند، لیکن در این میان به گفته بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران علم اقتصاد بانکداری اسلامی توانسته است با ویژگی‌ها و مقررات، خود را تا حدودی از آسیب این بحران مصون نگه دارد. به‌گونه‌ای که در چند هفته گذشته اغلب خبرگزاری‌ها و نشریات خارجی از زوایای گوناگون به بررسی ابعاد این بحران پرداخته و بانکداری اسلامی را الگویی تازه برای این صنعت معرفی کردند. روزنامه واشنگتن پست در گزارش هفته گذشته خود نوشت: اصول

بانکداری مبتنی بر معیارهای مذهبی، صنعت بانکداری را در برابر بدترین بحران مالی در جهان مصونیت بخشیده است (روزنامه سرمایه، ۱۳۸۷/۵/۳۱).

حال سؤال اصلی این است که تفاوت جوهری بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف در چیست که باعث استقبال غرب و نظریه پردازان بانکی شده است؟ گرچه در برخی از این اظهار نظرها به بعضی ویژگی‌های بانکداری اسلامی اشاره شده است، لیکن بررسی علمی آن‌ها نیازمند فرصت علمی گسترده‌ای است.

دین اسلام، از یک سو همانند دیگر ادیان الهی با ظالمانه خواندن قرض ربوی، به شدت با آن مبارزه کرده و درصدد ریشه کن ساختن آن برآمد و از سوی دیگر برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌گذاری، راه‌های دیگری را پیشنهاد کرد، اسلام برای تأمین "نیازهای مصرفی"، راه‌های "انفاق، قرض‌الحسنه، فروش نسبه، اجاره" و برای تأمین "نیازهای سرمایه‌گذاری"، راه‌های مشارکت (شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات) و در مواردی، "بیع نسبه و سلف" را جایگزین ساخت. بانکداری اسلامی نیز به تبع دین اسلام با کنار گذاشتن قرض با بهره، برای تأمین مالی خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی به سمت قراردادهای واقعی به ویژه انواع مشارکت‌ها روی آورد.

این مقاله با مقایسه بانکداری اسلامی مبتنی بر معاملات واقعی و بانکداری متعارف مبتنی بر بهره، مزایای جایگزینی نظام بانکداری اسلامی به جای نظام بانکداری متعارف بر متغیرهایی چون پس انداز، سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال، سطح عمومی قیمت‌ها، توزیع درآمدها، رفاه عمومی تجزیه و تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چرا پیروی از روش‌های بانکداری اسلامی موجب ثبات بیشتر نظام بانکی و به دنبال آن کل اقتصاد می‌شود.

## ۱- تفاوت‌های جوهری بانکداری اسلامی

تفاوت‌های اصلی و جوهری بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف را در سه محور می‌توان بیان کرد.

### ۱-۱- تأکید بر قراردادهای اقتصادی واقعی

بانکداری اسلامی با حذف قرارداد قرض با بهره در بخش اعطای تسهیلات به خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی از قراردادهای واقعی اقتصاد استفاده می‌کند. به این معنا که برای تأمین مالی خانوارها و نیازهای کوتاه‌مدت و مقطعی و موردی بنگاه‌های اقتصادی، از قراردادهایی چون



فروش اقساطی (مرابحه)، اجاره به شرط تملیک و جعاله استفاده می‌کند. در این قراردادها ابتدا در اقتصاد واقعی کالا یا خدمتی تولید می‌شود، سپس بانک با تهیه نقدی آن کالا یا خدمت، آن را به صورت مدت‌دار به مشتری واگذار می‌کند. در نتیجه چنین قراردادهای اعتباری به هیچ وجه نمی‌توانند از اقتصاد واقعی پیشی بگیرند، بلکه همیشه در چارچوب اقتصاد واقعی خواهند بود. در بخش سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلندمدت نیز بانکداری اسلامی به جای قرض با بهره از قراردادهای مشارکتی استفاده می‌کند و با کارآفرینان اقتصادی در طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی مشارکت می‌کند، روشن است که در این بخش نیز معاملات اعتباری بانک‌ها در چارچوب اقتصاد واقعی خواهد بود و پدیده رشد حباب‌وار اعتبارات شکل نمی‌گیرد.

### ۲-۱- استفاده از سود به جای بهره

به اعتقاد همه صاحب‌نظران اقتصادی، نرخ بهره اسمی و قراردادی بر فرض هم در بلندمدت، تابعی از نرخ بهره واقعی باشد، در کوتاه‌مدت و در قراردادهای بانکی بیشتر از بازار پول مشتق شده و متأثر از عوامل پولی است. در نتیجه نرخ بهره بانکی به عنوان متغیری برونزا در بازار پول شکل می‌گیرد و بر اقتصاد واقعی تحمیل می‌شود. این درحالی است که بانکداری اسلامی با حذف بهره، در اعطای تسهیلات بانکی از متغیر سود قراردادهای واقعی که از بازارهای کالاها و خدمات و بازار سرمایه مشتق می‌شود استفاده می‌کند.

### ۳-۱- نظارت بر مصرف اعتبارات بانکی

یک بانکدار اسلامی برای احراز درستی قراردادها، افزون بر احراز هویت مشتری و توانایی او در ایفای قرارداد، می‌بایست موضوع قرارداد را نیز احراز کند، کما اینکه به عنوان وکیل سپرده‌گذاران بایستی نسبت به توجیه فنی و اقتصادی پروژه‌هایی را که تأمین مالی می‌کند اطمینان حاصل کند و لازمه چنین مسائلی نظارت مؤثر بانک‌ها بر فعالیت‌های طرف قرارداد است. این نظارت و کنترل گرچه هزینه‌های غیر قابل انکاری را بر بانک تحمیل می‌کند، لیکن در مقابل، از گرفتار شدن بانک در طرح‌ها و پروژه‌های احساسی و غیر کارشناسی جلوگیری می‌کند و به تبع آن کمک مهمی به کل اقتصاد می‌کند.

## ۲- مزایای بانکداری اسلامی

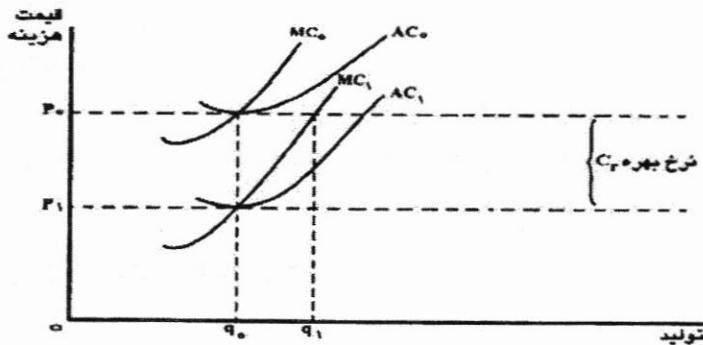
تفاوت‌های بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف آثاری متعدد اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد که برخی از آن‌ها به این قرار است.

### ۲-۱- افزایش پایداری بنگاه‌های اقتصادی

از دیدگاه اقتصاد خرد، تولیدکننده همیشه در پی حداکثر کردن سود اقتصادی است و سود از ما به تفاوت درآمد کل و هزینه کل به دست می‌آید. این سود، هنگامی به حداکثر می‌رسد که قیمت محصول، با هزینه نهایی برابر باشد  $P=MC$ . حال اگر پروسه تولید را بلندمدت فرض کنیم، یکی از اقلام تشکیل دهنده هزینه نهایی ( $MC$ )، در نظام بانکداری متعارف نرخ بهره است که تولیدکننده به ازای استفاده از هر واحد سرمایه اضافی به بانک می‌پردازد. این نرخ بهره، از تقاطع عرضه و تقاضای پول در بازار پول به دست می‌آید که نسبت به بنگاه اقتصادی برونزا محسوب می‌شود. در صورتی که اگر این بنگاه اقتصادی به جای نظام بهره، از طریق مشارکت با بانک اسلامی تأمین مالی کند، این بخش از هزینه‌ها (هزینه بهره) حذف شده، در نتیجه تمام توابع هزینه به همان اندازه کاهش می‌یابد، زیرا در روش مشارکت، صاحب سرمایه (بانک) بخشی از سود را می‌برد و سود، جزو هزینه‌ها محسوب نمی‌شود. این مطلب را می‌توان در نمودار شماره ۱ مشاهده کرد.

بر اساس این نمودار، هزینه نهایی ( $MC_1$ ) و متوسط ( $AC_1$ ) تولیدکننده روش مشارکت که از بانک اسلامی تأمین مالی شده در هر سطحی از تولید، از هزینه نهایی ( $MC_0$ ) و متوسط ( $AC_0$ ) تولیدکننده نظام بهره پایین‌تر است و اثر آن در دو مسئله مهم پدیدار می‌شود.

نمودار ۱: اثر روش مشارکت بر هزینه‌های تولید



اولاً، تولیدکننده روش مشارکت در سطح قیمت  $P_0$  می‌تواند تولید خود را تا سطح  $q_1$  افزایش دهد، در حالی که چنین امکانی برای تولیدکننده نظام بهره وجود ندارد. ثانیاً، اگر قیمت بازار برای کالای مورد نظر به عللی، کاهش یابد و از سطح  $P_0$  به  $P_1$  برسد، تعطیلی برای تولیدکننده نظام بهره اجتناب ناپذیر است؛ در حالی که تولیدکننده روش مشارکت می‌تواند تا قیمت  $P_1$  به تولید ادامه دهد. لازمه طبیعی نتایج فوق، پایداری بیشتر بنگاه و بانکداری اسلامی است، چرا که بنگاه استفاده کننده از تسهیلات بانکداری اسلامی و به دنبال آن خود بانکداری اسلامی در قبال تغییرات قیمت، انعطاف بیشتری داشته و در مواجهه با بحران‌های اقتصادی پایدارتر است.

## ۲-۲- افزایش سرمایه‌گذاری

گذشته از کاهش هزینه تولید که امکان افزایش تولید و سرمایه‌گذاری را برای تولیدکننده فراهم می‌کند، عوامل دیگری نیز در افزایش سرمایه‌گذاری در روش مشارکت بانکداری اسلامی مؤثرند. برخی از آن‌ها چنین است:

### اول- برداشته شدن حد سرمایه‌گذاری

در نظام بهره، سرمایه‌گذاری تا جایی صورت می‌گیرد که نرخ بازده نهایی سرمایه، با نرخ بهره مساوی شود، بنابراین، در نظام سرمایه‌داری، نرخ بهره، تعیین‌کننده حد سرمایه‌گذاری است. برای مثال اگر نرخ بهره ده درصد باشد، طرح‌های با بازدهی کم‌تر از ده درصد، هرگز برای سرمایه‌گذاری انتخاب نمی‌شوند، لیکن با حذف بهره، متغیر برونزایی به نام بهره وجود ندارد تا حد سرمایه‌گذاری را تعیین کند. در نتیجه، سرمایه‌گذاری تا جایی که بازده مثبت وجود دارد می‌تواند افزایش یابد.<sup>۱</sup> بی‌گمان البته این بدان معنا نیست که هر طرح دارای بازده مثبت برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌شود، بلکه در مقام گزینش (در فرض کمبود سرمایه) بالاترین بازده‌ها انتخاب می‌شوند.

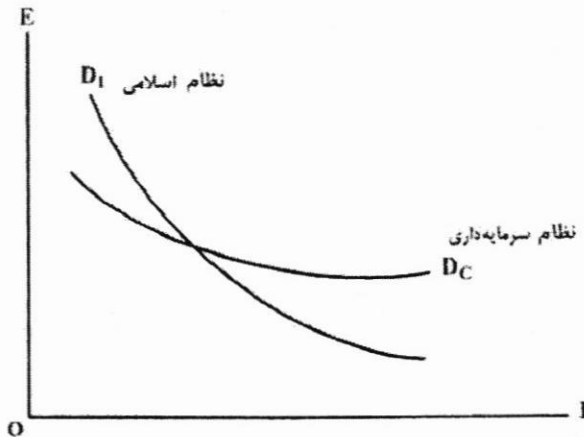
### دوم- کاهش نااطمینانی

عامل دیگری که تقاضای سرمایه‌گذاری را در روش مشارکت بانکداری اسلامی افزایش می‌دهد، کاهش خطرهای سرمایه‌گذاری است. تولیدکننده بخش کشاورزی و صنعت، همیشه

<sup>۱</sup> ایرج، توتونچیان: پول و بانکداری اسلامی، ص ۴۱۳.

نگران بروز مشکلات پیش‌بینی نشده است. تغییرات آب و هوا، وقوع حوادث غیرمترقبه، به کارگیری شیوه‌های جدید تولید، تغییر سلیقه مصرف‌کنندگان، وارد شدن کالاهای جان‌شین، تغییر سیاست‌های گمرکی و ده‌ها عامل دیگر، خطرهایی هستند که همه در نظام سرمایه‌داری متوجه سرمایه‌گذار می‌شوند. بدین سبب تولیدکنندگان، برای این خطرها افزون بر نرخ بهره وام‌ها، درصدی را نیز در نظر می‌گیرند و چنانچه بازده طرح‌ها از مجموع نرخ بهره و پیش‌بینی نرخ خطر بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری می‌کنند. در بانکداری اسلامی که بانک‌ها به مشارکت با متقاضیان (تولیدکنندگان) می‌پردازند و در عواقب فعالیت‌های اقتصادی سهیم می‌شوند. پیامدهای احتمالی خطرهای یادشده، به‌طور قه‌ری بین هر دو طرف تقسیم می‌شود، بنابراین، چون سهم تولیدکننده در تحمل خسارت ناشی از خطرهای یادشده، کم‌تر می‌شود، تقاضای او برای سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. اگر مقدار تقاضا برای سرمایه‌گذاری (I) را با توجه به میزان ریسک (E) ترسیم کنیم، نمودار شماره ۲ را خواهیم داشت. یعنی در نظام سرمایه‌داری حساسیت بسیاری درباره عامل ریسک و نااطمینانی وجود دارد.<sup>۱</sup>

نمودار ۲: کاهش نااطمینانی و افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی



<sup>۱</sup> مسعود، خان: *مطالعات نظری در بانکداری اسلامی*، ص ۱۱۴۷، ایرج، توتونچیان: *پول و بانکداری اسلامی*، ص ۴۱۵؛ سیدکاظم، صدر: *اقتصاد صدر اسلام*، ص ۳۰۴ و ۳۰۵؛ سی.جی.مک کنا: *اقتصاد عدم اطمینان*، فصل چهارم، و خان رفیع: *مطالعات نظری در بانکداری اسلامی*، ص ۱۹۵.

مسئله کاهش نااطمینانی برای سرمایه گذار، آثار فراوانی در اقتصاد دارد:

اولاً از عمیق تر شدن آن در دوره‌های رکود جلوگیری می‌کند. در این دوره‌ها به دلیل احتمال ورشکستگی، مؤسسات برای تقاضای سرمایه‌گذاری تمایلی ندارند. سیاست‌های پولی هم در اقتصاد سرمایه‌داری در وضعیت تورمی تا حدی خوب عمل می‌کند، لیکن در حالت رکود، کارایی چندانی ندارد. یعنی هر قدر نرخ بهره پایین بیاید، ترس از ورشکستگی، مانع حرکت تولیدکننده می‌شود، برخلاف نظام اسلامی که در آن، مؤسسه تولیدی، صاحب سرمایه (بانک) را شریک و در کنار خود می‌بیند.

ثانیاً نظام مشارکت، راه را برای طرح‌های بزرگ که به‌طور معمول، ریسک بالایی دارند، هموار کرده، زمینه برای فعالیت‌های سنگین و بلندمدت فراهم می‌آید.

### سوم - افزایش وجوه عرضه شده

در نظام بهره، صاحبان پس‌انداز و مؤسسات پولی، گرفتن بهره را به کارهای سرمایه‌گذاری ترجیح می‌دهند، زیرا وام‌گیرنده چه سود ببرد و چه زیان کند، سود وام دهنده (بهره وام) تضمین شده است و این باعث می‌شود که اولاً وام‌ها به فعالیت‌های کوتاه‌مدت اختصاص یابد تا در صورت افزایش نرخ بهره بتوانند از آن دوباره استفاده کنند. ثانیاً در مواقعی که نرخ بهره پایین است، قسمتی از پس‌اندازها را کد می‌ماند و به جای وارد شدن در جریان تولید، راهی بازارهای پولی و سفته بازی می‌شود، به طوری که طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ در کشور آمریکا، بیش از یک سوم تغییرات حجم پول به بازارهای پولی غیرمولد وارد شده و کم‌تر از دو سوم آن به سرمایه تبدیل شده است.<sup>۱</sup>

در نظام اسلامی، با تحریم ربا، بازار وام با بهره حذف شده، دیگر زمینه‌هایی برای اختصاص پس‌انداز به ربا و سفته بازی صوری وجود نخواهد داشت و یگانه راه برای کسانی که قصد کسب درآمد از پس‌اندازهایشان دارند، مشارکت با تولیدکنندگان در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری است، در غیر این صورت، هیچ مازادی به پس‌انداز آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. این امر سبب می‌شود همه وجوهی که پیش‌تر صرف وام‌دادن یا کارهای سفته بازی می‌شد، اکنون به سرمایه‌گذاران عرضه شود، در نتیجه، وجوه عرضه شده برای سرمایه‌گذاری در کل اقتصاد افزایش می‌یابد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ایرج، توتونچیان: *مجموعه مقالات چهارمین سمینار بانکداری اسلامی*، ص ۱۰۱، پاورقی ۲۳

<sup>۲</sup> سید کاظم، صدر: *اقتصاد صدر اسلام*، ص ۳۰۱، صدر: *اقتصاد ما*، ج ۲، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

### ۳-۲- افزایش تولید و عرضه کل

کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سرمایه‌گذاری، آثار مثبت زیادی در اقتصاد دارد. یکی از آن‌ها افزایش تولید کل است، به ویژه اینکه در نظام مشارکت به دلیل شریک بودن بانک در بنگاه اقتصادی، تمام نیروهای جامعه برای تخصیص بهتر منابع بسیج می‌شوند. به این معنا که در نظام بهره، صاحب پس‌انداز به چگونگی استفاده تولیدکننده از وام گرفته شده توجه ندارد. به همین سبب این امکان وجود دارد که تولیدکننده، آن را در زمینه‌هایی که توجیه اقتصادی ندارد، به کار گیرد، در حالی که در نظام مشارکت، به دلیل مشارکت بانک، با هم فکری دو طرف، سرمایه باید در فعالیتی به کار گرفته شود که از نظر اقتصادی کارایی داشته باشد و این در کل اقتصاد، باعث بهتر شدن تخصیص منابع و سرانجام، موجب افزایش تولید کل و عرضه کل در اقتصاد می‌شود.<sup>۱</sup>

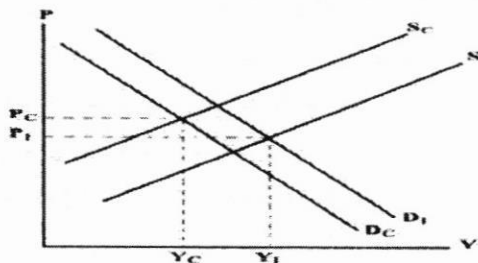
#### اول - بالا رفتن سطح اشتغال

دومین اثر اقتصادی افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال نهاده‌های تولید است. در پی افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری، زمینه برای فعال شدن دیگر منابع تولیدمثل زمین، مواد اولیه، نیروی انسانی و ... که بدون استفاده مانده بودند، فراهم می‌آید. در نتیجه، اقتصاد با آهنگ سریع‌تری به سمت اشتغال کامل گام بر می‌دارد.

#### دوم - کاهش سطح عمومی قیمت‌ها

با توجه به مطالب پیشین انتظار می‌رود که با جایگزینی "نظام مشارکت" در پی بالا رفتن اشتغال و تولید کل، عرضه کل نیز افزایش یافته، به سمت راست منتقل شود، چنانکه در نمودار شماره ۳ مشاهده می‌شود.

نمودار ۳: کاهش سطح عمومی قیمت‌ها در نتیجه جایگزینی نظام مشارکت



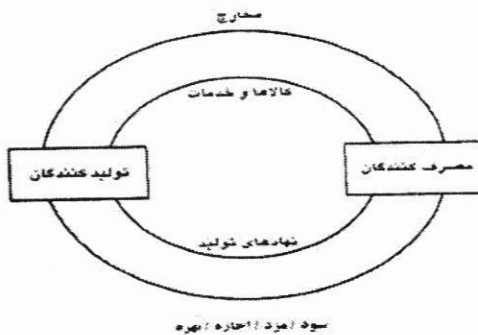
<sup>۱</sup> ایرج، توتونچیان: مجموعه مقالات چهارمین سمینار بانکداری اسلامی، ص ۹۶؛ نجات الله، صدیق: صد

سؤال و صد جواب درباره بانکداری اسلامی، ص ۷۸؛ سیدکاظم، صدر: اقتصاد صدر اسلام، ص ۳۰۵.

این مطلب از دیدگاه اقتصاد خرد هم قابل توجیه است، چون با کاهش هزینه‌ها (حذف هزینه بهره)، تولید هر بنگاه فزونی گرفته و با انتقال منحنی عرضه به وضعیت S1، سطح عمومی قیمت‌ها کاهش می‌یابد، بی‌گمان در اثر بالارفتن اشتغال و بهتر شدن توزیع درآمدها، انتظار می‌رود که تقاضای کل هم به سمت راست (D1) منتقل شود، لیکن در مجموع، قیمت‌ها پایین می‌آید. افزون بر آن با حذف بهره، بازار وام با بهره حذف شده، در نتیجه تورم‌های پولی نیز از بین می‌رود. چنانکه حذف بازار وام، موجب حفظ توازن میان گردش کالا (ارزش افزوده واقعی) و گردش درآمد پولی از سوی دیگر می‌شود که خود نقش مهمی در تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از تورم دارد<sup>۱</sup>.

اگر دست اندرکاران اقتصاد را به دو دسته تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تقسیم کنیم، روابط حاکم میان آنان را می‌توان در نمودار شماره ۴ مشاهده کرد.

نمودار ۴: چرخه فعالیت‌ها و پرداخت‌ها در یک مدل ساده



تولیدکنندگان، کالا و خدمات را به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند و مصرف‌کنندگان در عوض، نهادهای تولید مانند: کار، زمین و سرمایه را در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌دهند که این، بخش واقعی اقتصاد و در دایره داخلی نمودار منعکس است و در دایره بیرونی، جریان گردش درآمد پولی نشان داده شده است. مصرف‌کنندگان بابت دریافت کالاها، مخارج آن‌ها را به تولیدکنندگان می‌پردازند و در عوض، تولیدکنندگان بابت استخدام عوامل تولید (کار، زمین و سرمایه) که در اختیار مصرف‌کنندگان است، به ایشان مزد، اجاره، و سود می‌پردازند. در

<sup>۱</sup> علی‌ماجدی و حسن گلریز: پول و بانک از نظریه تا سیاستگذاری، ص ۲۱۸، ایرج، توتونچیان: چهارمین سمینار بانکداری اسلامی، ص ۹۶، سیدکاظم، صدر: اقتصاد صدر اسلام، ص ۲۰۴.

اقتصادی که ربا مجاز است، تولیدکنندگان افزون بر این، در ازای وامی که از مصرف‌کنندگان می‌گیرند، به ایشان بهره نیز می‌پردازند. برای درک بهتر مطالب فرض کنید که در اقتصاد ربوی، همه وجوه به شکل وام عرضه می‌شود و هیچ مشارکتی وجود ندارد و سودی داده نمی‌شود. در اقتصاد بدون ربا، میان نیم دایره بالایی یعنی مخارج در بازار کالا و نیم دایره پایینی یعنی مزد، اجاره و سود، توازن کامل وجود دارد. اگر فرض کنیم بازار کار و زمین در تعادل است، بازار سرمایه نیز در تعادل خواهد بود؛ زیرا چنانچه طرح‌های سرمایه‌ای و تولیدی به ثمر رسد، مصرف‌کنندگان بابت خرید فرآورده‌ها و تولیدات آن‌ها، مخارجی را می‌پردازند. تولیدکنندگان نیز پس از کسر مزد و اجاره، سود به دست آمده را به مصرف‌کنندگان (صاحبان پس‌انداز) می‌دهند، در نتیجه، تعادل و توازن تحقق می‌یابد. اگر به علت پیش آمدن یکی از خطرهای فعالیتی به تولید نرسد، خود به خود محصولی ارائه و مخارجی از مصرف‌کنندگان دریافت نمی‌شود. در این وضعیت، بنگاه مربوطه سودی نخواهد داشت و بابت آن نیز وجهی به مصرف‌کنندگان نمی‌پردازد، در نتیجه، جریان مخارج با جریان درآمد تولید در بازار کالا متوازن می‌شود. به بیان دیگر، هر مبلغی که به صورت مخارج خرید کالا از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان پرداخت شود، درست همان مبلغ به شکل مزد و اجاره و سود از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان برگردانده می‌شود.

حال اقتصادی ربوی را در نظر بگیرید. وقتی طرحی به همان علت ذکر شده به بازده نمی‌رسد، در نیم دایره مخارج در بازار کالا، پرداختی از مصرف‌کنندگان به مجری طرح مزبور صورت نمی‌گیرد و درآمدی عاید مجری نمی‌شود، لیکن در نیم دایره پایین، مجری به علت تعهدی که طبق قانون دارد باید بهره صاحب وام را بپردازد، در نتیجه، مجموعه درآمدی که به شکل بهره و دیگر اشکال درآمد به صاحبان عوامل تولید پرداخت می‌شود، از حاصل جمع مخارجی که در بازار کالا به دست می‌آید، بیش‌تر است. این پدیده، توازن میان گردش درآمد پولی و درآمد واقعی یعنی ارزش افزوده واقعی را برهم می‌زند و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم را در پی خواهیم داشت.<sup>۱</sup>

### سوم - عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد

نظر به اینکه در نظام مشارکت، پیامدهای مطلوب و نامطلوب فعالیت اقتصادی متوجه هر دو طرف قرار داد (عامل و صاحب سرمایه) است، نتایج حاصل از آن نیز در قالب سود و زیان

<sup>۱</sup> سید کاظم صدر: *اقتصاد صدر اسلام*، ص ۳۰۸ - ۳۰۶

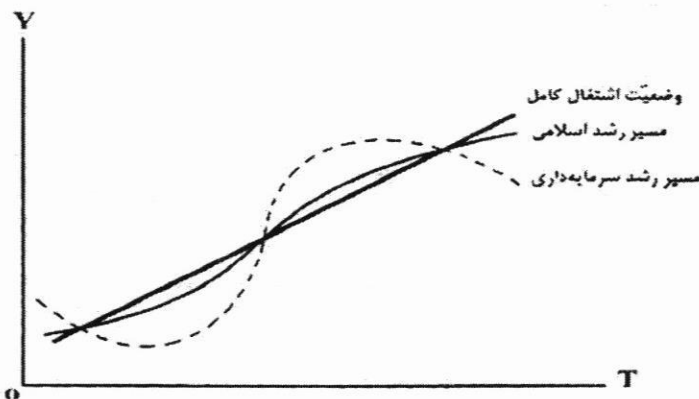


نصیب هر دو می‌شود؛ در حالی که در نظام بهره، وام‌دهنده به دلیل کناربودن از اقتصاد واقعی، همیشه در طرف برنده‌ها قرار دارد و روشن است که در بلندمدت، دارایی در طرفی جمع می‌شود که همیشه برنده است و این به تدریج باعث به وجود آمدن شکاف طبقاتی در جامعه می‌شود.

#### چهارم - ثبات بیش‌تر اقتصادی

مسیر رشد سرمایه‌داری، همیشه با دوره‌های رونق و رکود اقتصادی توأم است و این از عللی سرچشمه می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها به نظام بهره باز می‌گردد. تولیدکنندگان نظام سرمایه‌داری، در مواقعی که انتظار بهبود وضعیت اقتصادی را دارند، برای دستیابی به سود بیش‌تر، به سرمایه‌گذاری گسترده اقدام می‌کنند و این موجب رونق لجام گسیخته می‌شود و مواقعی که انتظار رکود اقتصادی وجود دارد، برای پرهیز از زیان‌های احتمالی، از سرمایه‌گذاری خودداری می‌کنند و این امر وخامت بیش‌تر اوضاع اقتصادی و عمیق‌تر شدن رکود را در پی دارد. در نتیجه، اقتصاد همیشه با دوره‌های شدید رونق و رکود مواجه است، در حالی که در نظام مشارکت به سبب تعدیل سودها و زیان‌های احتمالی و تقسیم آن بین تولیدکنندگان و صاحبان سرمایه، نه در حالت بهبود، سرمایه‌گذاری متورم می‌شود و رونق لجام گسیخته رخ می‌دهد و نه در وضعیت رکود به علت ترس از خطر و ناطمینانی، رکود عمق می‌یابد. افزون بر اینکه به دلیل بالابودن اشتغال و توزیع عادلانه درآمدها، تقاضای کل در اقتصاد اسلامی حالت با ثبات‌تری دارد. این عوامل دست به دست هم داده و مسیر رشد اسلامی را مطابق نمودار شماره ۵ از ثبات بیش‌تری برخوردار می‌کنند.

نمودار ۵: ثبات بیشتر در مسیر رشد اقتصادی در نظام بانکداری اسلامی



### پنجم - بالارفتن سطح عمومی رفاه

در پی سرمایه‌گذاری بیش‌تر و افزایش تولید، از یک سو عرضه کل کالاها و خدمات زیاد شده و سطح عمومی قیمت‌ها کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، به دنبال افزایش اشتغال و عادلانه‌تر شدن درآمدها، تقاضای افراد از کالاها و خدمات فزونی می‌گیرد و در نتیجه، مصرف سرانه در نظام اسلامی، بیش از مصرف سرانه در نظام سرمایه‌داری می‌شود و این امر افزایش رفاه عمومی در جامعه را در پی خواهد داشت، چنانکه اختلاف طبقات درآمدی هم کاهش می‌یابد.

### ششم - همسویی منافع

در نظام مشارکت، صاحب سرمایه (بانک) به کامیابی بنگاه علاقه جدی و دلبستگی واقعی دارد، زیرا سهم سود وی، تابع مستقیمی از سودآوری بنگاه است و طبیعی است که او نیز در پی ارتقاء کارایی بنگاه بوده، از هر طریقی به بنگاه کمک می‌کند. در حالی که در نظام بهره، هدف اصلی دریافت‌کننده بهره، درآمد خود او است و به درجه کارایی بنگاه چندان دلبستگی ندارد، از این‌رو در نظام مشارکت، هدف صاحب سرمایه با هدف کارفرما هماهنگ است، در حالی که در نظام بهره، اگر منافع، تضادی نداشته باشد که در برخی مواقع دارد، دست کم لزوماً همسو نیست.<sup>۱</sup>

### هفتم - تطابق با عدل و قسط

در فعالیت‌های اقتصادی، اعم از تولیدی و تجاری، آینده کار روشن نیست و نتیجه قطعی آن، پس از انجام فعالیت، آشکار می‌شود؛ پس اگر وام‌دهنده، سود معین و از پیش تعیین شده‌ای را شرط اعطای قرض قرار دهد، مخاطره‌های احتمالی و عواقب فعالیت، به‌طور کامل متوجه قرض‌گیرنده است. همان‌گونه که اگر وی از طریق همین منابع قرض شده به سود سرشاری برسد، وام‌دهنده سهمی افزون بر آنچه پیش‌تر تعیین کرده‌اند، نخواهد داشت، از این‌رو اسلام، روابط بین کار و سرمایه را براساس مشارکت عادلانه دو عامل در سود و زیان تنظیم و گرفتن بهره ثابت و معین عامل سرمایه را تحریم کرده است.<sup>۲</sup> استاد شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

فلسفه حرمت ربا این است که جلو قدرت و نفوذ و سیطره سرمایه گرفته شود .... در شرکت سرمایه و کار باید ببینیم که سرمایه در خدمت کار باشد یا کار باید در خدمت سرمایه باشد یا هیچ کدام نباید در خدمت دیگری باشد .... در ربا، مزد در عوض کار قطعی سرمایه نیست؛ حتی

<sup>۱</sup> سیدمحمدباقر صدر: اقتصاد ما، ج ۲، ص ۲۳۷.

<sup>۲</sup> سید علی اصغر، هدایتی: مجموعه مقالات سمینار اقتصاد اسلامی، ج ۳، ص ۴۷.

مشروط به بقا و ادامه وجود سرمایه هم نیست. سرمایه، چه کاری بکند و چه نکند، مزد قطعی خود را می‌خواهد بگیرد و باز سرمایه چه در جریان کار ضربه ببیند، مزد خود را می‌گیرد؛ بلکه فرضاً خودش ضربه ببیند؛ ترمیم شده باید به صاحبش رد شود. این امور است که تسلط سرمایه را بر کار اثبات می‌کند و قدرت اقتصادی را در اختیار سرمایه قرار می‌دهد؛ چنانچه در شرایط کارگری و کارخانه‌داری اگر سرمایه ملزم باشد که مزد کارگر را به هر حال، چه کار بکند و چه نکند بدهد، زیان وارد بر بدن کارگر را جبران کند و به اصطلاح او را در مقابل بیماری‌ها (بدون کسری از مزد) بیمه کند، به علاوه در آخر مدت او را جوان کند؛ یعنی نیروهای تلف شده او را جبران کند، بلکه اگر بمیرد، دو مرتبه زنده شده او را به او تحویل دهد، در این صورت، بُرد با کارگر است و کارخانه، در استخدام کارگر قرار گرفته است و هرگز برای کارخانه‌دار چنین کارخانه داری صرف نمی‌کند. گذشته از اینکه چنین چیزی عملاً امکانپذیر نیست؛ پس، از نظر شکل، رابطه سرمایه و کار نباید به نحوی باشد که نفوذ و قدرت و امتیازهای بیش‌تر را به سرمایه بدهد؛ بلکه باید لاقلاً هم تراز یک دیگر باشند و یا باید قدرت کارگر بیش‌تر باشد. "ربا" ظالمانه‌ترین شکل رابطه کار و سرمایه است.<sup>۱</sup>

### هشتم - ارزش یافتن نیروی انسانی

همراه با کوشش برای افزایش تولید و به ثمر رساندن طرح‌های سرمایه‌گذاری، زمینه بروز استعدادهای مدیریت و ظهور ابتکار در فرایند تولید گسترش می‌یابد. از مدیران مبتکر که سابقه درخشانی در سودآور کردن فعالیت‌های اقتصادی دارند، به‌طور طبیعی استقبال می‌شود و همه صاحبان وجوه، به مشارکت با ایشان تمایل می‌یابند. این پدیده، موجب افزایش تقاضای مشارکت با مدیران مبتکر و در نتیجه، افزایش هزینه فرصت سرمایه انسانی در اقتصاد خواهد شد. در نظام سرمایه‌داری، سرمایه‌گذاران و مدیران ناگزیرند منبعی بیابند که طرح آنان را تأمین مالی کند؛ بدین سبب، به‌طور قهری به تمام شرایط وام‌دهنده تن می‌دهند؛ در حالی‌که در نظام مشارکت، عکس این پدیده رخ می‌دهد و صاحبان وجوه به علت مسدود شدن راه‌های رباخواری، به سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی ناگزیر می‌شوند و در جست و جوی اشخاص صاحب تجربه و مدیر بر می‌آیند تا مشارکت آنان سودآور باشد. از این رهگذر، اثر مثبتی در

<sup>۱</sup> مرتضی، مطهری: ربا، بانک، بیمه، ص ۳۱ - ۲۴

اقتصاد نمایان می‌شود و توزیع دوباره درآمد از سوی صاحبان وجوه یا سرمایه‌های مادی، به سوی دارندگان سرمایه انسانی صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### جمع‌بندی

نتایج حاصل از مباحث پیش‌گفته نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی با تأکید بر قراردادهای اقتصاد واقعی، به‌ویژه استفاده از روش مشارکت به قرض ربوی و تأکید بر متغیر سود به جای بهره، به‌عنوان متغیری درونزا و برخاسته از اقتصاد واقعی و تأکید بر نظارت و کنترل اعتبارات تخصیصی نظام بانکی، از رشد حباب‌وار ابزارهای مالی و اعتبارات بانکی جلوگیری می‌کند ثبات درخور توجهی در درجه نخست به خود نظام بانکی و در مرحله بعد به کل نظام اقتصادی اعطا می‌کند.

<sup>۱</sup> سید کاظم، صدر: *اقتصاد صدر اسلام*، ص ۳۰۵ و ۳۰۶

### کتابنامه

امامی، سیدحسین: *اقتصاد اسلامی در کانون توجه*، سایت همشهری آنلاین ۱۳۸۷.

توتونچیان، ایرج: *پول و بانکداری اسلامی*. توانگران، تهران، ۱۳۷۹.

توتونچیان، ایرج: *مجموعه مقالات چهارمین سمینار بانکداری اسلامی*. مؤسسه عالی بانکداری، تهران، ۱۳۷۹.

خان، رفیع: *مجموعه مقالات مطالعات نظری در مالیه و بانکداری اسلامی*. ترجمه ضیائی، مؤسسه عالی بانکداری، تهران، ۱۳۷۶.

خان، مسعود: *مجموعه مقالات مطالعات نظری در مالیه و بانکداری اسلامی*. ترجمه ضیائی، مؤسسه عالی بانکداری، تهران، ۱۳۷۶.

خدادادی، اکبر: *بحران مالی جهانی از دیدگاه بانک توسعه اسلامی*، *خبرنامه همایش بحران جهانی فرصت‌ها و چالش‌ها*. ۱۳۸۷، تهران.

روزنامه دنیای اقتصاد: *فرانسه به نظام بانکداری اسلامی روی می‌آورد*، آذر ۱۳۸۷.

روزنامه سرمایه: *استقبال غرب از بانکداری اسلامی*، مرداد ۱۳۸۷.

صدر، سیدکاظم: *اقتصاد صدر اسلام*، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۶.

صدر، سیدمحمدباقر: *اقتصادنا*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

صدیق، نجات‌الله: *صدسوال و صدجواب درباره بانکداری اسلامی*، مؤسسه عالی بانکداری، تهران، ۱۳۷۶.

ماجدی، علی و گلریز، حسن: *پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری*. مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۳.

مطهری، مرتضی: *ریا، بانک، بیمه، صدرا*. تهران، ۱۳۶۴.

مک‌کنا، سی‌جی: *اقتصاد عدم اطمینان*، ترجمه مغاری و فهیمی، دانشگاه امام حسین، تهران، ۱۳۷۲.

واتیکان: *بانکداری اسلامی حل بحران اقتصادی در جهان*، خبرگزاری فارس، اسفند ۱۳۸۷.

هدایتی، سیدعلی‌اصغر: *مجموعه مقالات سمینار اقتصاد اسلامی*، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

<http://www.bbc.co.uk/persian/business/story>